

نقش خوارج در توسعه و ترویج جریان تکفیری در جهان اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۰

محمدعلی اسدی^۱

عبدالغزیز موحد^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۵

غفار پوربختیار^۳

چکیده

خوارج صدراسلام که در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) سر برآوردند، با زیر پا گذاشتن لزوم تبعیت از اولوالأمر و توجه به ظاهر و باطن قرآن خودسرانه چارچوبی را تدوین کردند که در تناقض آشکار با نگاه جامع‌گرایانه اسلام قرار داشت و با جدا کردن مسیر خود از اکثریت جامعه به مبارزه علنی با امام علی(ع) روی آورده و عامل سوء استفاده‌های عمده فکری و عقیدتی در طول تاریخ شدند. امروزه گروه‌های تکفیری از قبیل طالبان، القاعده و داعش با استفاده از تفکرات خوارج بر حقانیت و درستی مبانی فکریشان تاکید دارند، دیگران را منحرف از دین اسلام دانسته و خود را مجاز به انجام هرگونه اقدامی در مقابل مسلمانان می‌دانند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌مندی از جریان شناسانه خوارج سعی کرده است فضاها، دال‌ها و عواملی که منجر به توسعه و ترویج جریان تکفیری در اسلام شده را موشکافی نماید تا توانسته باشد تبیین واقع‌گرایانه‌ای از تشابهات و تفاوت‌های فکری و عملکردی خوارج با آنها ارائه دهد. مطابق نتایج این پژوهش، با حاکمیت خودمحموری و عقل‌گریزی، امکان توجیه هر اقدام غیرمنطقی امکانپذیر بوده و شرایط برای مقدس جلوه‌دادن آن فراهم می‌گردد. هر دو گروه در بیان کلمه حق مشترکند اما اراده باطلی را تبلیغ می‌کنند. از مهمترین تشابهات میان گروه‌های خوارج و تکفیری می‌توان به تعصب در دین، مشرک و کافر شمردن مسلمانان، استدلال به ظاهر آیات و اجتناب از تدبر و تعقل، مبارزه با حکومت‌های مسلمان، کج فهمی و همراهی با دشمن دین اشاره نمود.

واژگان کلیدی: خوارج صدر اسلام، جریان تکفیری، توسعه جریان تکفیری،

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

۲. استادیار، گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار، گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

ظهور خوارج در تاریخ اسلام به عنوان یکی از فرقه‌های مذهبی را می‌توان یکی از تحولات سیاسی-فکری در نظر گرفت. این گروه در نیمه نخست قرن اول هجری قمری و در کشور عراق با رهبرانی تشکیل شد که همگی عرب بودند. تفکر اولیه این فرقه در زمان پیامبر(ص) هنگام تقسیم غنائم جنگی پس از جنگ حنین در قرن اول هجری و در زمان امام علی(ع) و در جنگ صفین آغاز شد، جایی که پس از فرمان معاویه مبنی بر، برنیزه کردن قرآن‌ها و سرانجام دعوت به حکمیت، میان لشگریان امام علی(ع) نفاق افتاد. با اینکه این نفاق در همان جا ختم به خیر شد(بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۱۴/۳)، ولی تفکری در برخی ایجاد شد که بعداً به ظهور و تشکیل گروه خوارج انجامید. از همین رو ریشه تفکر تکفیری را باید در خوارج صدراسلام جستجو کرد. خوارج در ابتدا مسلمانان گناهکار را تکفیر نمودند، در ادامه همین عقیده روز به روز رشد کرد تا جایی که امروز اندیشه تکفیر، غیر خود را کافر می‌پندارد و هرکس با آنها نباشد و عقیده آنها را نپذیرد کافر می‌داند(طبری، ۱۳۸۹: ۶۵۸).

تصویری که این گروه افراطی در تاریخ از خود به جای گذاشته و در طول سالیان پس از آن ادامه دادند، تصویری کاملاً دوگانه می‌باشد. بخشی از این تصویر روشنگر زهد و تقوای الهی بود و بخش دیگر، تصویری بود سیاه که خشونت و قتل و غارت را به نمایش می‌گذاشت. این نقش آیا با ضروریات عقلانی و احکام شرع دین مبین اسلام موافق بود یا متضاد؟ آیا آنان عابدان و زاهدانی بودند که با دنیا متارکه کرده بودند؟، آیا دلبستگی به دنیا داشتند و دین را بازیچه خود ساخته بودند؟، رفتار متضاد دانه خرمای مردم که به دهان نرفته بیرون انداخته شد و فی‌المجلس سر مسلمانی را گوش تا گوش بریدند و شکم زنی را دراندن و جنینش را کشتند، چگونه قابل جمع و توجیه است؟ و یا به گفته خودشان که بر سر کاسه یا تازیانه‌ای که از آنان گرفته شده بود، جنگ‌ها به راه انداختند و کشتند و کشته دادند، چگونه با رفتار زاهدانه قابل فهم است؟ از همین رو، افراطی ترین فرقه خوارج، خوارج ازارقه بودند که بیشتر حامیان و سردسته‌های آن از قبیله بنی تمیم و موالی تشکیل میشد. آنان به قتل کودکان و زنان مخالفان خود معروف‌اند. بعدها عقاید این گروه پایه و زیر بنای اندیشه تکفیری گردید. اندیشمندان اهل حدیث نقل را بر عقل ترجیح می‌دهند و بر این عقیده‌اند که عقل فی نفسه دارای ارزش نیست و صرفاً حمایت شرع از عقل، آن را ارزشمند می‌سازد. در میان اهل حدیث افرادی را می‌توان یافت که به فضای استماع و تسلیم بازگشتند و عقاید خویش را بر این اصل بنا نهادند که آنچه قرآن می‌گوید، غیبیات است و عقل انسان به آن راه ندارد و از این رو باید آن‌ها را در همان معانی ابتدایی آن پذیرفت(ولهوزن، ۱۳۷۵).

احمدبن حنبل در چنین فضایی و هم‌چنین در عرصه منازعات شیعه و سنی، با بیان آراء و اعتقادات خویش، بابی را پیش روی مسلمانان باز نمود که ادعای تمسک به اسلاف صالح، حرف نخست را در آن می‌زد. ابن حنبل، تأکید بر ظواهر داشت و چشم پوشی از ظواهر را جایز نمی‌دانست. یکی از نتایج اندیشه‌های احمدبن حنبل پیدایش گروه افراطی حنابله بغداد بود که در قرن چهارم مشکلات زیادی از طریق افراطی‌گری بوجود آوردند. این روش فکری ابن حنبل، توسط ادامه‌دهندگان راهش و از طریق شاگردان مکتب او بسط پیدا کرد. ابن تیمیه بارزترین

چهره‌ای است که در قرن هفتم هجری در این مسیر گام نهاده است. وی آنچه را که در این مکتب آموخته، در دفاع از حنابله به کار برده و بزرگان اندیشه جهان اسلام را مؤاخذه کرده و آن‌ها را اهل بدعت معرفی می‌کند. ابن تیمیه نظریه پرداز مفاهیم و باورهایی است که بعدها مورد استفاده و منبع فکری گروه‌های تکفیری و سلفی قرار گرفت (عدالت‌نژاد، نظام‌الدینی، ۱۳۹۰).

رفتار گروه‌های تکفیری در طول تاریخ و بخصوص زمان حال، یادآور فعالیت‌های خوارج در صدر اسلام می‌باشد. به همین دلیل شناخت زمینه‌های فکری، دینی، اجتماعی و عوامل گسترش گروه خوارج در طول تاریخ و گروه‌های تکفیری در این زمان؛ می‌تواند راهگشای پژوهشگران در تجزیه و تحلیل اوضاع معاصر باشد. بنابراین با روشنگری علمی می‌توان مانع از انحراف افراد مذهبی به سوی گرایش‌های افراطی شد و راه شناساندن اسلام حقیقی را به جهانیان هموار ساخت. بنابراین، ضرورت دارد پژوهشی کامل و جامعی انجام گیرد و از ابتدای شکل‌گیری این جریان و اندیشه بررسی و تحقیقات موثری را انجام داده تا ابعاد این موضوع مشخص شود که چه ویژگی‌هایی درون این مبحث نهفته هست که این اندیشه با همه فراز و فرودهایی که در تاریخ اسلام بوده هنوز زنده است و کارکرد سیاسی و اعتقادی دارد و چه کسان و گروه‌های فکری و سیاسی و یا حکومت‌ها و دولت‌هایی احساس می‌کنند مقاصد و منافع خود را در روشن نگاه داشتن مشعل این جریان می‌توانند پیدا کنند.

۲) پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلفی در این زمینه انجام شده است که در جدول (۱) برخی از مهمترین آن‌ها ارائه شده است.

جدول (۱). پیشینه پژوهش

ردیف	نوع اثر	موضوع	نویسنده
۱	کتاب	سلفی‌گری و وهابیت (مبانی اعتقادی)	(علیزاده موسوی، ۱۳۹۳)
۲	کتاب	بازخوانی تکفیر و تکفیرگرایی در بین مسلمانان	(نیک‌زاد تهرانی، ۱۳۸۹)
۳	کتاب	بررسی فتوای تکفیر در نگاه مذاهب اسلامی	(رجبی، ۱۳۸۹)
۴	کتاب	نقدی بر افکار ابن تیمیه	(رضوانی، ۱۳۸۸)
۵	کتاب	خوارج تاریخ	(عودی، ۱۳۹۲)
۶	کتاب	کفر و تکفیر پژوهشی تطبیقی در مذاهب اسلامی	(برکات عاملی، ۱۳۹۷)
۷	مقاله	علل ظهور و تکوین گروه‌های تکفیری در جهان اسلام (خوارج و داعش)	(نساج و همکاران، ۱۳۹۶)
۸	مقاله	راهکارهای مقابله با تهدیدات نوین جریانات تکفیری	(عبدالملکی، ۱۴۰۰)
۹	مقاله	تاثیر رویکرد منفی خوارج و گروه‌های تکفیری به تسامح و مدارا در اضمحلال آنها	(زرگر و صیدمرادی، ۱۳۹۵)
۱۰	مقاله	واکاوی حضور خوارج ازرقه در کرمان و پیامدهای سیاسی-امنیتی آن	(خسروی، ۱۳۹۸)
۱۱	مقاله	بررسی تطبیقی خوارج کلاسیک و گروه‌های تکفیری معاصر	(زارعی و گویدینی، ۲۰۱۸)
۱۲	مقاله	بررسی تکفیر، خاستگاه و کاربرد معاصر آن	(کدیور، ۲۰۲۰)

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با تکیه بر پژوهش‌های تاریخی نقش خوارج در توسعه و ترویج جریان تکفیری در جهان اسلام را مورد بررسی قرار داده و روشن سازد: نقش خوارج در توسعه و ترویج جریان تکفیری در جهان اسلام چیست؟ فرضیه اصلی این پژوهش گویای این است که عقاید و افکار برخی گروه‌ها و افراد از جمله خوارج، باعث پیدایش اندیشه تکفیر و سلفی‌گری شده و تأثیراتی در جهان اسلام داشته است. این پژوهش بر آن است با تکیه روش تحقیق توصیفی تحلیلی پس از گردآوری اطلاعات از منابع اصلی و تحقیقات، به بررسی نقش خوارج در توسعه و ترویج جریان تکفیری در جهان اسلام بپردازد. هدف از نگارش این مقاله بررسی روند پیدایش و چرایی شکل‌گیری تکفیر و سلفی‌گری و مشخص نمودن علت کارکرد و پذیرش آن در بین بخش‌هایی از جامعه اسلامی می‌باشد.

۳) ظهور خوارج

خوارج فرقه‌ای از مسلمانانی هستند که بعد از جنگ صفین و ماجرای حکمیتی که بر امام علی(ع) تحمیل کردند، به مخالفت با امام علی(ع) برخاستند. در ماجرای این حکمیت، از سوی امام علی(ع)، ابوموسی اشعری و از سوی معاویه، عمروعاص به داوری گرفته شد. تا به مطالبه کتاب خدا و سنت پیغمبر(ص) بپردازند و از بین علی(ع) و معاویه یکی را برگزینند، عمروعاص، داوود عراق را فریب داد و عراقیان دریافتند که از او فریب خورده‌اند و به حضرت اعتراض کردند که چرا به حکمیت تن دادید. از آن به بعد آن‌ها فرقه‌ای تشکیل دادند و به مخالفت با امام پرداختند (مفتخری و همکاران، ۱۳۹۲)؛ در پایان فردی از همین فرقه به نام ابن ملجم مرادی، امام علی(ع) را در محراب عبادت در نوزدهم رمضان به شهادت رساندند (جعفریان، ۱۳۹۳). آن‌ها گرچه خود در ابتدا پیشنهاد حکمیت را مطرح کرده بودند، اما پس از پذیرش آن از سوی امام و توقف جنگ با معاویه، دست از خواسته خود برداشتند و امام را نیز به توبه دعوت کردند (نصر بن مزاحم، ۱۳۶۳: ۴۸۴)؛ آن‌ها پذیرش حکمیت را کفر دانسته و پس از بازگشت امام به کوفه، به حروراء در نزدیکی کوفه نقل مکان کردند (طبری، ۱۳۷۵: ۷۲/۵-۷۸). خوارج، برخلاف نظر متکلمان و مورخان، خروج خود علیه امام علی(ع) را انکار حکومت و حاکمیت جور دانسته و از همین رو عمل خود را با هجرت پیامبر مقایسه کرده‌اند (دینوری، بی‌تا، ۱۳۴۶: ۲۶۹).

خوارج در ادامه به چندین گروه تقسیم شدند که می‌توان از آنها نام‌های: محکمه، حروریه، زیادیه، ثعالبه، نجدات، عجارده، ازرقه، اباضیه، بیهسیه، شمیطیهو صفریه را معرفی کرد (همان منبع). خوارج اولین جریان فکری پس از ظهور اسلام بود که تعریف نوینی از ایمان و کفر ارائه داده بودند. پیامبر گرامی اسلام(ص) در زمان حیات خود، شکل‌گیری خوارج را پیش‌بینی کرده و فرموده بودند: «بمرفون من الدین کما یمرق السهم من الرمیة» که به معنی «از دین خارج می‌شوند، همانگونه که تیر از کمان خارج می‌شود» (شهرستانی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۳۴). این گروه هر شخصی را که به آنها می‌پیوست، با کشتن اسیری از مخالفانشان توسط او، امتحان می‌کردند؛ اگر می‌کشت، او را

تایید می‌کردند؛ اما اگر نمی‌کشت او را منافق و مشرک شناخته و می‌کشتند. بر همین اصول بود که آنها در قبال امام علی(ع)، رای به شهادتش دادند؛ با این توجیه که وی به دلیل پذیرفتن حکمیت کافر شده است و باید کشته شود(شهرستانی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۳۱). خوارج به نام‌های متعددی شناخته می‌شدند که علاوه بر نام مشهور «خوارج»، اسامی دیگری نیز برای آنها به کار رفته است که در جدول(۲) به آنها اشاره شده است.

جدول (۲). اسامی به کار رفته برای خوارج

ردیف	اسم	توضیح	نویسنده
۱	مُحَكِّمَةٌ	برگرفته از شعار «لاحکم الا لله» در مخالفت با حکمیت	(بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۱۲/۳)
۲	حَرَوْرِيَّةٌ	اشاره به محلی که خوارج به آنجا رفتند	(نیک‌زاد تهرانی، ۱۳۸۹)
۳	یاقوت حموی	به معنای منحرفان	(طبری، ۱۳۷۵: ۹۱/۵)
۴	معجم البلدان		
۵	ذیل حروراء		
۶	مارقَه		
۷	نواصب یا ناصبه	به سبب دشمنی با امام علی(ع)	(مقریزی، ۱۴۲۰ق: ۴۲۸/۴)
۸	مُكْفَرَه (تکفیر)	کسانی که نخستین بار مرتکب گناه کبیره شده باشند	(ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق: ۲۶۱/۴ و ۲۰۸/۷)
۹	اهل النهر یا النهروان	به سبب منحرف شدن در جنگ نهروان	(طبری، ۱۳۷۵: ۸۳/۵)
۱۰	شُرَاءُ	کسانی که جان خود را به بهشت می‌فروشد	(بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲۷۲/۹)

در ابتدا، کوفه و بصره از پایگاه‌های اصلی خوارج بود.(طبری، ۱۳۷۵: ۷۶/۵) شمار خوارج بصره بیشتر از کوفه بود؛ چراکه بسیاری از خوارج کوفه پس از گفت‌وگوی امام علی با آنها، از خوارج جدا شدند. پس از آن خوارج در شهرها و نواحی بسیاری پراکنده شدند؛ از ایران و یمن تا شمال آفریقا و نواحی مغرب اسلامی(مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۷/۴). فرقه‌های مختلف خوارج در طول تاریخ منقرض شدند و تنها اباضیه که آرای آنان به عقاید سایر مسلمانان نزدیک است، در عمان، سیوه، حضرموت، جربه، زنگبار، طرابلس غرب و الجزایر همچنان حضور دارند. خوارج در ۱۰ سوال ۳۷ق با عبدالله بن وهب به‌عنوان امیر بیعت و درباره خروج از کوفه و رفتن به نهروان توافق کردند(ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۳/۳۳۵-۳۳۶). با وجود پیروزی امام علی(ع) بر آنها؛ خوارج مانند گروهی سیاسی، فکری و نظامی برقرار ماندند. امام پس از خود شیعیان را از جنگ با خوارج نهی نمود(ابن ابی‌الحلید، ۱۳۸۵ق: ۱۴/۵). امام حسن(ع) نیز پس از صلح با معاویه، درخواست او برای جنگ با خوارج را رد کرد(بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۷۹/۵). خوارج، پیامبر اکرم(ص) را از نزدیک دیده بودند و شاهد نزول وحی و سامع احادیث ایشان بودند؛ ولی از شدت عدم بصیرت و کج‌اندیشی و افراط‌گری چنین شدند و حتی بر قرآن ناطق، آیاتی از قرآن را می‌خواندند و خود را عالم‌تر به مفهوم پیام آیه از ایشان می‌دانستند و برداشت سطحی و عوامانه خود را از آیه در مقابل

بزرگترین عامل و مفسر قرآن عنوان می‌نمودند و با گفتن «لا حکم الا لله» فقط به ظاهر قرآن استناد کرده و از محتوای حقیقی آن غافل بودند.

همانگونه که اکنون نیز خوارج زمان و تکفیری‌های جدید با شعار «الله اکبر» و شعارها و نوشته‌های اسلامی، مسلمانان را کشته و غارت می‌کنند. به نظر میرسد که گویا خوارج پس از ۱۴۰۰ سال دوباره متولد و احیا شده باشند. اگرچه زمان و سال‌ها تغییر کرده است، اما خشک اندیشی، عدم درک صحیح قرآن و حدیث و رفتارهای تندروانه و افراطی و تکفیری یادآور همان نخلستان‌های نهروان است و شاید به همین دلیل، حضرت علی(ع) به عبدالله بن عباس که او را برای گفتگو نزد خوارج فرستاده شده بود فرمود: «برای آنان از قرآن حجت میاور، زیرا ظاهر قرآن تاب تحمل معنی‌های گوناگون دارد، بلکه از حدیث پیامبر اسلام(ص) استفاده کن» (شهیدی، ۱۳۷۱: ۱۴۴). پیشمانی خوارج پس از دیدن دستاورد زشت خود، برآگاهان به تاریخ اسلام پوشیده نیست. شرم‌آورتر از خطاهای پیشین خوارج، متهم ساختن علی(ع) و فراموش کردن اجبارها و تهدیدهای خود بود. آنان با استناد به آیه (لا حکم الا لله) معتقد بودند که پذیرش حکمیت به معنای کنار نهادن حکم خداست؛ زیرا در اصل برای غیرخدا، حق حکمیت نیست. یکی از خوارج به نام عبداللّه بن الکواء در بین سخنرانی امام علی(ع) این آیه را با صدای بلند قرائت کرد: (ولقد اوحی الیک و الی للذین من قبلک لئن اشرکت لیحبطن عملک و لتکونن من الخاسرین. زمر/۶۵: به تو و همه پیامبران پیشین وحی شد، که اگر مشرک شوی، تمام اعمال تباہ می‌شود و از زیانکاران خواهی بود). او آن قدر این آیه را تکرار کرد که علی(ع) در پاسخ او فرمود: (فاصبر ان وعدالله حق ولا یستخفک الذین لا یوقنون. روم/۶۰: اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند) (مسعودی ۱۳۶۵: ۲/۳۹۵).

۳-۱) ویژگی‌ها و اصول عقاید خوارج

ویژگی‌های متعدد و متضادی برای این گروه از تکفیری‌ها، در پژوهش‌ها و کتاب‌های تاریخی ذکر شده است که این ویژگی‌ها، آنها را دارای فهم نادرست از کلام خدا، اهل غرور، تنگ‌نظر، جاهل، خود برتر بینی، اهل تعصب، ستیزه‌جو و ... معرفی نموده است. لیستی از ویژگی‌ها بیان شده با ذکر مرجع آن، در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳). ویژگی‌ها و اصول عقاید خوارج

ردیف	ویژگی‌ها	نویسنده
۱	فهم نادرست از قرآن و تطبیق نادرست آیات بر مقاصد خویش، همراه با سادگی و سطحی‌نگری	(بخاری، ۱۳۹۱: ۵۱/۸)
۲	عبادت بسیار بدون ایمان	(تصریح مزاحم، ۱۳۶۳: ۴۹۱)، (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۲۱۲/۵)
۳	غرور، خود برتر بینی، کافر و گمراه دانستن عموم مسلمانان جز خودشان	(ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق: ۲۲۱/۱۶)
۴	ستیزه‌جویی و لجاجت و تعصب و تندروی در آرا و عقاید	(دینوری، بی‌تا، ۱۳۴۶: ۲۰۷-۲۰۸)
۵	گریش و تظاهر به زهد	(ابن کثیر، ۱۳۵۷: ۱۱/۹)
۶	تمایل به جدل و مناظره و ضعف در احتجاج	(ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۳۶/۴-۱۳۹)
۷	نا‌آشنایی به سنت پیامبر و احکام دین	(ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق: ۳۹/۱۱-۴۰)
۸	فضیلت شمردن جهاد با اهل قبله و اسیر کردن یا کشتن کودکان و زنان آنها و ترمش با اهل ذمه و مشرکان	(طبری، ۱۳۷۵: ۱۷۴/۵، ۱۲۴/۶)
۹	تیک‌سخنی به همراه بدکرداری توأم با خشونت	(احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۲۲۴/۳، ۲۶/۵)
۱۰	دشمنی با امام علی و کینه به وی حتی پس از شهادت	(بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۲۸/۳، ۲۵۷)
۱۱	عدالت‌خواهی و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با حاکمان جور به مثابه والاترین آرمان‌های اجتماعی	(ابن قتیبه، ۱۳۸۷ق، ۱۲۱/۱)
۱۲	قیام نکردن به امر به معروف و قعود از جهاد را گاهی کفر می‌دانستند	(ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۶۷/۴)

از دیگر ویژگی‌های بیان شده می‌توان به جنگاوری و دلیری و شکیبایی بر سختی‌ها و انضباط نظامی خوارج اشاره نمود (ابن قتیبه، ۱۳۸۷ق: ۱۲۸/۱) که همین ویژگی، دلیل پیروزی بر امویان حتی با تعداد سپاهیان کمتر دانسته شده است. با این حال گزارش‌هایی از فرار آنان نیز در میدان‌های جنگ در دست است (عاملی، ۱۴۲۳ق: ۷۷-۸۲/۲). خوارج گاه اسبان خود را پی می‌کردند، نیام شمشیرها را می‌شکستند و متهورانه و یکپارچه به لشکر دشمن خود حمله می‌کردند و به هوای بهشت به سوی مرگ می‌شتافتند (ابن قتیبه، ۱۳۸۷ق: ۱۲۸/۱). به همین دلیل مشهور به ویژگی حمله خارجیه شدند. آنان به نشان بندگی و آمادگی برای مرگ و جانبازی، موی سر خود را می‌تراشیدند. از این رو، دیگر مسلمانان در مخالفت با آنان موی خود را کوتاه نمی‌کردند، گاه نیز وسط سر خود را می‌تراشیدند و موهای اطراف آن را نگه می‌داشتند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۲۳/۸). یکی از مهم‌ترین عقاید خوارج، باور به کفر کسی است که مرتکب گناه کبیره می‌شود. این باور، در پیدایش و تحول علم کلام، موثر دانسته شده است (ولهاوزن، ۱۳۷۵: ۴۶). برخی از باورها و عقاید خوارج در ادامه ذکر شده است:

الف) کفر در صورت ارتکاب گناه کبیره: نخستین اندیشه‌ای که خوارج بر آن اتفاق نظر داشته‌اند، تکفیر کسی است که مرتکب گناه کبیره شده است (ابن حزم اندلسی، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ق: ۱۱۳/۲). فرقه‌ای از خوارج با نام ازارقه، در این اندیشه افراط کرده و معتقدند مرتکب گناه کبیره نمی‌تواند دوباره ایمان بیاورد و باید به سبب ارتداد، همراه با فرزندانش به قتل برسد و مخلد در آتش است (شهرستانی، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۱) یکی از ادله خوارج برای تکفیر مرتکب کبیره، استناد به آیه ۴۴ سوره مائده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۱۴/۸-۱۱۸).

ب) امامت: آرای خوارج درباره امامت، برگرفته از نظر آنان درباره مرتکب کبیره بود. براین اساس، کسی که مرتکب گناه کبیره شده، نباید امامت جامعه مسلمانان را بر عهده بگیرد و اگر بر مسند امامت باشد، بر مؤمنان واجب است که بر او خروج کنند (ابن حزم اندلسی، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ق: ۱۱۳/۲). بیشتر خوارج، با نصب خلیفه از سوی پیامبر (ص) مخالفند و معتقدند هر کس که به کتاب و سنت عمل کند، شایستگی امامت را دارد و امامت، با بیعت دو تن نیز منعقد می‌شود، آنان به انتخابی بودن امام معتقد بودند (شهرستانی، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۳۴) و بر خلاف باور رایج در آن زمان، خلافت غیر قریش را هم ممکن می‌دانستند (ابن حزم اندلسی، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ق: ۱۱۳/۲).

ج) خلفای راشدین: خوارج با توجه به حوادث رخ داده در دوران خلفای چهارگانه، عمر و ابوبکر را به‌عنوان امام و خلیفه رسول خدا پذیرفتند، ولی در مورد عثمان فقط شش سال نخست حکومت او و در مورد امام علی، تا قبل از پذیرش حکمیت را صحیح شمردند و این دو را در مابقی دوران حکومت‌شان تکفیر کردند و معزول دانستند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۲/۲۷۴).

د) اندیشه‌های فقهی: از برخی فرقه‌های خوارج پاره‌ای آرای فقهی نقل شده است؛ از جمله رد سنگسار زناکار (با استناد به اینکه در قرآن کریم اشاره‌ای به آن نشده)، جایز بودن قتل اطفال و همسران مخالفان، اعتقاد به اینکه اطفال مشرکان نیز با پدران در آتش خواهند بود و مخالفت با تقیه در قول و عمل (شهرستانی ۱۴۱۴: ۱/۱۴۰) به باور ازارقه، مسلمانانی که به خوارج تعلق ندارند باید کشته شوند، ولی قتل مسیحیان، زردشتیان یا یهودیان حرام است (ابن حزم اندلسی، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ق: ۴/۱۸۹).

۴) تکفیر

دومین بدعت و عقیده‌ای که شهرستانی به خوارج محکمه اولی نسبت می‌دهد، تکفیر است. خوارج در ابتداء اعلام نمودند که امام علی علیه السلام در انتخاب حکم خطا کرده است و این حادثه در حالی اتفاق افتاد که خوارج خود، ایشان را وادار به این انتخاب کردند تا جاییکه نزدیک بود به قتل امام منجر گردد. با این حال امام را تکفیر کردند و نسبت کفر به حضرت دادند (شهرستانی، ۱۴۱۴ق). تکفیر از ریشه کفر بوده و از مصدر باب تفعیل است. کفر در لغت با معانی/تعابیر زیادی مانند پوشاندن، نقیض ایمان، ضد ایمان، عصیان و امتناع و ضد نعمت و شکر نقل شده است. کفران بیشتر در انکار نعمت و کفر در انکار دین بکار رود و کفور (بضم کاف) در هر دو. کفر در شریعت عبارت است از انکار آنچه خدا معرفت آن را واجب کرده از قبیل وحدانیت و عدل خدا و معرفت پیغمبرش و آن چه پیغمبر آورده از ارکان دین هر که یکی از اینها را انکار کند کافر است. کافر در عرف دین به کسی گفته می‌شود که وحدانیت یا نبوت یا شریعت یا هر سه را انکار کند. به هر حال کافر کسی است که اصول یا ضروری دین را انکار کند. تکفیر انواعی دارد که آنها را در گروه‌های زیر می‌توان تقسیم کرد (سعادت، ۱۳۹۳: ۷۵-۵۳):

الف) تکفیر دینی: این نوع از تکفیر صورت‌های متعددی دارد که فقها و علمای شریعت اسلامی و نویسندگان کتاب‌های توحیدی و عقاید و اصول دین آن را تبیین کرده‌اند و آن را در کفر در اصول ایمان خلاصه کرده‌اند و آن، کفر به خدا، کفر به ملائکه، کفر به پیامبران و کفر به روز قیامت است. برخی از علما کفر را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند: کفر انکار (قلبی و زبانی) کفر جحود (زبانی) کفر عناد و کفر نفاق (که با زبان اقرار می‌کند لکن قلبا کافی است و اعتقاد ندارد) پس تکفیر دینی مرتبط به قضایای دین و ایمان و عقیده واصل دین است.

ب) تکفیر سیاسی: این تکفیر مرتبط به امور سیاسی مثل تکفیر حاکم یا تکفیر دولت حاکمه است که ممکن است ریشه در اختلافات گروه‌ها و جریان‌ها و احزاب سیاسی در ایدئولوژی و اهداف داشته باشد.

ج) تکفیر فکری: این نوع از تکفیر مرتبط به فرهنگ و تفکر است؛ بدین معنا که علما و اصحاب فرهنگ و هنر و صاحبان کتاب با نظر و یا نقش هنری، تکفیر می‌شوند که این نمونه از تکفیر در عصر عباسی بسیار زیاد انتشار پیدا کرده بود؛ به طوری که به مجموعه‌ای از شعرای از اصل ایرانی را تهمت نفاق و الحاد و کفر زدند که تا حال حاضر نیز ادامه پیدا کرد و فلاسفه و ادبا و علما و فقها و هنرمندان را تکفیر می‌کنند.

۴-۱) پیشینه تکفیر

طبق منابع تاریخی پیشینه تکفیر به صدر اسلام باز می‌گردد. قرآن کریم در آیه ۵۴ سوره مائده و آیه ۲۵ سوره محمد (ص) به ارتداد اشاره دارد و کسانی را که مرتد شده‌اند، نکوهش میکند. حوادثی که بعد از رحلت پیامبر رخ داد و به جنگ‌های «ردّه» مشهور گشت از جمله رویدادهای مهمی بود که حکومت وقت مرتدین از دین را کافر قلمداد کرد. پس از برگزاری سقیفه و بیعت با ابوبکر، برخی از قبایل عرب که اسلام اختیار کرده بودند، به چنین بیعتی گردن نهندند و از پرداخت زکات به خلیفه خودداری ورزیدند. همین مسئله منجر به جنگ میان خلیفه و برخی از قبایل عرب شد که مورخان مسلمان مجموع این وقایع را ردّه نام نهاده و قبایل درگیر جنگ را «مرتدین» خوانده‌اند (پاکتچی، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

فقها چه از اهل تشیع و چه از اهل سنت قائل به ارتداد شده‌اند و مرتد را به اقسامی تقسیم کرده‌اند و آن را در ضمن مباحث حدود دانسته‌اند. برای اثبات ارتداد، مجرم باید ملزم به اقرار باشد و یا این که شاهد به ارتداد شخص رأی دهد. بطور کلی از مجموع آرای فقها این چنین استنباط میشود که منزلت مرتد، بویژه در نزد فقیهان امامیه منزلت و مقامی است بین اسلام و کفر، بدین معنا که مرتد را بالاتر از کافر و فروتر از مسلمان می‌شمارند و تعبیر به «فوق الکافر و دون المسلم» می‌کنند (محقق داماد، ۱۳۷۵، ج ۷: ۴۴۳). از نخستین عقاید خوارج مسئله تکفیر و استعراض و چگونگی داوری درباره گناهان کبیره است. بسیاری از فرق خوارج کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می‌شد، تکفیر می‌کردند، تا جایی که حتی امت پیامبر را شامل می‌شد (شهرستانی، ۱۴۱۴: ۱۶۸). خوارج به سبب عقیده به تکفیر، قیام بر ضد حکومت گناهکار را واجب می‌شمردند (همان: ۱۶۸) و گروهی از ایشان مرتکب گناه کبیره را «موحد گفتند نه مومن» (همان: ۱۷۲). کسانی چون کعبی و ابن ابی الحدید اعتقاد

دارند که اجماع خوارج، عقیده به تکفیر گناهان کبیره دارند (بغدادی، ۱۳۶۷: ۱۳۸؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۲۱۰؛ مجلسی، بی‌تا: ۵۸). اگرچه این افراد از عقیده خود دفاع کرده اند، اما بعضی دیگر با عمومیت این عقیده مخالفت ورزیده و ابراز می‌دارند که خوارج تکفیر را اختصاصاً به کفر عثمان، حضرت علی علیه السلام، اصحاب جمل، حکمین و کسانی که به آن تن داده اند، قلمداد کرده اند. از آن جمله بغدادی است که رأی کعبی را خلاف واقع دانسته است (بغدادی، ۱۳۶۷: ۱۴۲).

۵) خوارج و تکفیری‌ها

خوارج گروهی بودند که از ولایت دور افتادند و با قرائتی خودساخته که از اسلام به دست دادند، همه فرق را تکفیر کردند و خود را گوهر سعادت دانستند. دنباله رو آن نگرش، تکفیریان امروزی هستند که بر دامن ابن تیمیه و عبدالوهاب چنگ لنداخته‌اند و مسلمانیان را محکوم به تکفیر می‌کنند. در تشبیه نگرش و افکار خوارج و تکفیری‌ها در این زمان به مواردی بر می‌خوریم که از قلم اندیشمندان دور نمانده است. در این برهه از زمان تکفیری‌ها نیز به تاسی از ابن تیمیه و ناشر عقاید وی محمدبن عبدالوهاب کوشیدند تا رنگ برتری بر عقاید خود بدهند و در راه هژمونی کردن اندیشه خود از هیچ کوششی باز نایستند. با تکیه بر مطالعات بررسی شده در این مقاله که در پی یافتن نقش خوارج در توسعه و ترویج جریان تکفیری در جهان اسلام می‌باشیم، شباهت‌های گروه خوارج و تکفیری‌ها را در ۱۱ بند و بصورت زیر بیان می‌نماییم (جدول ۴).

جدول (۴). شباهت‌های گروه خوارج و تکفیری‌ها (محقق ساخته)

ردیف	نوع شباهت
۱	اجتناب از توسل به غیر خداوند
۲	تعصب در دین
۳	مشرک و کافر شمردن دیگر مسلمانان
۴	استدلال به ظاهر آیات و اجتناب از تدبیر و تعقل
۵	مبارزه با حکومت‌های مسلمان
۶	نترسیدن از مرگ
۷	کج فهمی
۸	تفسیر به رای
۹	نشانه‌های ظاهری
۱۰	همراهی با دشمن دین
۱۱	زنده بودن رویه تکفیری

۵-۱) اجتناب از توسل به غیر خداوند

تکفیری‌ها اعتقاد دارند که شفاعت منحصر به خداوند بوده و فقط به او توسل کرده و او را باید خواند. استغاثه نیز باید برای خداوند صورت بگیرد. این اعتقادات در واقع سخنان درستی است، لکن هدف و مقصود باطلی را

دنبال می‌کنند. این اعتقادات مشابه عقاید خوارج است. اولین گروهی که به بخشی از آیات ۱۴۴م و ۱۵۷ سوره مبارکه هلثه و انعام استناد کردند و معتقد بودند که حکومت از آن خداسست و داوری نهادن میان دو کس از گناهان کبیره محسوب می‌شود، خوارج محکمه اولی بودند. آنان اعتقاد داشتند که نباید در امر خداوند متعال افراد را دخالت داد و "لاحکم الا لله" را شعار خود ساختند (شهرستانی، ۱۴۱۴: ۱۴۸). آنان در واقع کلمه حقی را بر لسان جاری می‌ساختند که از آن اراده باطل می‌کردند (همان منبع). گروه‌های تکفیری افراطی نیز با عدم بصیرت و تفقه دینی، به هدف از شفاقت و توسل پی‌نبرده و آن را امری انسانی تلقی کردند که به دست انسان رقم می‌خورد و منکر اجرای تقدیر الهی به دست انسان‌ها به ویژه اولیای الهی می‌باشند. با اینکه آنها از کلمه حق نیز در امور خود استفاده می‌کنند، اما اراده و قصدشان این است که مردم را به گمراهی انداخته و مقام و منزلت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) را منکر شوند. از دیگر سخنان باطل آنان، این است که اگر کسی ضریح و منبر پیامبر (ص) را ببوسد، به او می‌گویند: آهن و چوب را می‌بوسی که از شهرهای کفر آمده؟! نفهمیدند همانطور که پوست گوسفند وقتی جلد قرآن می‌شود، مورد احترام قرار می‌گیرد و کاغذ و مرکب به وسیله نوشته شدن آیات قرآن محترم می‌شود، همانطور آهن و چوبی که با آن ضریح یا منبر ساخته شده است و در روی قبر مطهر و بجای منبر آن حضرت گذارده شده به احترام آن حضرت محترم می‌شود (امین، ۱۳۸۷: ۱۲۷). تکفیری‌ها نیز همین رویه را دنبال کردند و خط بطلان بر مصادیق شفاعت می‌کشند و با تخریب اماکن مقدسه بر عقیده خود پافشاری می‌نمایند. مانند اقداماتی که برخی از گروه‌های تکفیری نوظهور مانند داعش در سالهای اخیر در سوریه و عراق انجام دادند و اماکن مقدس و بناهای تاریخی را تخریب نمودند. بنابراین تکفیری‌ها و خوارج در بیان کلمه حق مشترکند، اما در نتیجه اراده باطلی را تبلیغ می‌کنند.

۵-۲) تعصب در دین

تعصب در عرف امروزی؛ یعنی اعتقاد و پایبندی مصرانه و شدید نسبت به چیزی یا بر یک عقیده، اخلاق، فرهنگ، رسم و رسوم و یا دفاع متعصبانه از یک قوم و قبیله و یا از فرد خاص. امام علی علیه السلام در خطبه «قاصعه» تعصب را به ممدوح و مذموم تقسیم می‌فرماید. نمونه تعصب مذموم را شیطان نام میبرد که در مقابل فرمان خداوند متعال مبنی بر سجده بر حضرت آدم (ع) سرکشی کرد و حضرت او را سرآمد و پیشوای متعصبان نام برد و در مورد تعصب ممدوح اشارت به تعصب در اعمال و صفات نیک می‌فرماید. تعصب مذموم همواره با جمود فکری و یک‌جانبه‌نگری و پیش‌داوری غیرمنطقی همراه است. امام علی (ع) در خطبه ۱۲۷م؛ خوارج را بدترین مردم و آلت دست شیطان می‌خواند که عامل گمراهی دیگران شده‌اند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۱۲۷). از صفات خوارج پای بندی متعصبانه آنان به دین و مناسک آن بود و در آداب عبادی چون نماز و قرائت قرآن چنان جدیت داشتند که اثرات پینه بر زانوان و پیشانی آنان پیدا بود (منقری، ۱۳۶۳). سجده‌های طولانی و طرفداری مقتدرانه از حق از اوصاف خوارج شمرده می‌شد. از اینرو امام (ع) فرمود: بعد از من خوارج را نکشید، زیرا کسی که خواهان حق بوده و به باطل و خطا گمراه شده مانند کسی نیست که آگاهانه در راه باطل قدم نهاده است.

تکفیری‌ها نیز مانند خوارج سخت پایبند دین می‌باشند. نماز را در وقت خود خولنده و مراقب عبادات خود می‌باشند. آنها در دین متعصب بوده و جز خود دیگر مسلمانان را قبول نمی‌کنند. به عبارت دیگر آنها تنها خود را مسلمان و اهل توحید خالص دانسته و بقیه مسلمانان را مشرک و فاقد احترام می‌دانند (رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

۳-۵) مشرک و کافر شمردن دیگر مسلمانان

خوارج همه مسلمانان را کافر شمرده و معتقد بودند هرکس گناه کبیره انجام دهد کافر بوده و در جهنم جاوید خواهد بود و از اینرو خون، مال و اسیرکردن اولاد آنان را حلال می‌دانستند. از اعتقادات دیگر آنها این است که اگر در سرزمین اسلامی گناه کبیره‌ای رخ دهد، مبدل به مملکت کفر می‌شود. سلیمان بن عبدالوهاب، برادر محمد بن عبدالوهاب نظریه پرداز و رهبر فرقه وهابیت، رساله‌ای در رد عقاید برادر خود نوشته و در آن توضیح می‌دهد که خوارج در دو صفت از تمامی مسلمین جدا شده بودند (امین، ۱۳۸۷: ۱۸۱):

- بیرون شدن از سنت پیامبر و آوردن بدعت و سنت‌هایی که سنت نیست
- گناه را موجب کفر دانسته و خون و مال گناهکار را حلال می‌شمردند

تکفیری‌ها نیز مسلمانانی که عقیده آنان را نداشته باشند، مشرک دانسته و خون و مالش را حلال می‌شمردند. همچنین در مواجهه با مسلمانان جز با لفظ مشرک به گونه‌ای دیگر سخن نمی‌گویند. آنان شهرهای مسلمین را شهرهای کفر و شهرهای خودشان را شهرهای ایمان معرفی می‌کنند و معتقدند هرکس عمل واجبی را ترک کند، گرچه ترک آن واجب را حلال نداند و عقیده به وجوب آن داشته باشد، حکم جنگ و قتال را با او صادر می‌کنند (همان).

۴-۵) استدلال به ظاهر آیات و اجتناب از تدبر و تعقل

از دیگر شباهت‌های تکفیری‌ها با خوارج استناد آنان به ظواهر آیات قرآن کریم است. خوارج به ظاهر آیات و روایات استدلال می‌کردند و تکفیری‌ها نیز چنین برداشتی از آیات و روایات دارند و به تدبر و تفکر در آن نمی‌پردازند. مثلاً استغاثه به غیر خدا را شرک می‌دانند و به آیاتی استدلال می‌نمایند که هیچ دلالتی بر مطلب آن ندارند (امین، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

۵-۵) مبارزه با حکومت‌های مسلمان

یکی از تقسیمات دیرینه در منابع فقه سیاسی اسلام، تقسیم سرزمین‌ها به "دارالاسلام" و "دارالحرب" است. در یک تعریف رایج آمده است که دارالاسلام جایست که تحت سلطه مسلمانان بوده و احکام اسلامی در آن اجرا می‌شود. اما خوارج این تقسیمات را با نام‌های "دارالشُرک" و "دارالتوحید" شناخته و تنها محل سکونت هم مذهب‌ان خود را دارالتوحید می‌دانند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۲۵). به اعتقاد خوارج و تکفیری‌ها در سرزمینی که گناه رواج پیدا کند، آن سرزمین به دارالکفر تبدیل می‌شود و باید با حاکم آن جنگید. شاید نخستین تلقی دارالکفر را در سخن عبدالله بن وهب الراسبی رهبر خوارج نخستین، بتوان جستجو نمود. او پس از مساله حکمیت در جنگ صفین و اعتراض خوارج نسبت به آن، به یارانش گفت بیایید بعنوان اعتراض به این بدعت‌های گمراه کننده، از این

سرزمین که مردمش ستمگرانند به یکی از ولایت‌های جبال یا یکی از این شهرها برویم (طبری، ۱۳۷۵: ۲۵۹۶/۶). خوارج در آغاز واقعه نهروان مسلمانان را ستمگر و کافر خواندند و شهر مسلمانان را شهر ستمگران تلقی کردند. این نخستین بار بود که گروهی، سرزمینی اسلامی را بعنوان سرزمین ستمگران ترک می‌کردند. از این رو، اصطلاح دارالحرب رفته رفته نزد خوارج نظام‌مند شد و خوارج اینگونه حکم کردند که اگر در دارالاسلام گناهان کبیره پدیدار گردد، مرتکبین آن کافر شده و دارالاسلام مبدل به دارالحرب تبدیل خواهد شد؛ و احکام دارالحرب از جمله حلال بودن خون و مال ساکنان آن سرزمین بر آنان صدق خواهد کرد (بغدادی، ۱۳۶۷: ۴۷-۴۸). مشابه همین، فرقه ازارقه معتقدند که هرکس گناه کبیره کند، کافر بوده و از جمع امت اسلام بیرون است و با دیگر کافران در دوزخ مخلد خواهد بود (همان).

امروز نزدیکترین گروه تکفیری به خوارج را می‌توان در سیمای رفتاری داعش مشاهده کرد. داعش با تقسیم کردن سرزمین‌ها به دارالکفر و دارالاسلام در پی تاسیس خلافت اسلامی برآمد و با ادله فقهی و حدیث معروف "من مات و لیس فی عنقه بیعه امام مات میته جاهلیه" و همچنین با استناد به دلایل ساختگی و برداشت‌های اجتهادی، خود مسلمانان به ویژه جوانان پرشور را تشویق به هجرت به عراق و شام می‌کنند. آنان کسانی که بیعت با داعش را بر نمی‌تابیدند، تلویحاً کافر می‌خواندند. این گروه برای فایق آمدن بر ضعف و زبونی مسلمانان در عصر حاضر و تاکید بر لزوم بازگشت به عزت و اعتلای امت اسلامی، صرفاً از طریق تشکیل حکومت قابل توجیه می‌دانند.

۵-۶) نرسیدن از مرگ

شبهات بعدی بین آنها عدم ترس از مرگ است زیرا می‌پنداشتند به سوی بهشت می‌شتابند، از اینرو در جنگ‌ها پیش قدم بودند. از شواهد نرسیدن از مرگ، حرکت‌های انتحاری می‌باشد که داعشی‌ها و دیگر گروه‌های تکفیری آن را نوعی تقرب به سوی پروردگار می‌پندارند. بصورت نمونه می‌توان از شیوه‌های انتحاری آنها در صحنه جنگ در سوریه و عراق و چه در بین مردم اشاره نمود.

۵-۷) کج فهمی

خوارج در نهایت جمود فکری بودند زیرا در اعمالی که از آنان سر میزد و یا پیرامون وقایعی که اتفاق می‌افتاد تعقل نمی‌کردند. از خرمای افتاده بر زمین و یا کشتن خوک بیابانی پرهیز می‌کردند و اظهار می‌داشتند، فساد در زمین پیدا خواهد شد، اما در همان هنگام مرد مسلمانی را که قرآن بر گردن آویخته بود و از اصحاب رسول خدا (ص) بود سر بریدند و آن عمل شنیع را اطاعت فرمان خدا می‌دانستند (امین، ۱۳۸۷: ۱۸۵). آنان حکم به کفر مسلمانان داده و اعمال خود را درست‌ترین می‌دانستند. تکفیری‌هایی مانند القاعده و داعش خود را پیرو سلف صالح می‌دانند. آنان سعی می‌کنند سطح زندگی و ظاهر خود را مطابق زندگی سلف در بیاورند اما مشاهده می‌شود مدرن‌ترین ادوات جنگی را برای کشتار هم مسلک خود به خدمت می‌گیرند.

۵-۸) تفسیر به رای

آیاتی که درباره مشرکین نازل شده است، خوارج حمل بر مسلمانان و مؤمنین می‌کنند و وهابی‌ها نیز این آیات را در شأن مسلمانان دانسته و بر آنها تطبیق می‌کنند درحالی که مشرکین غیر از مسلمانان هستند. از جمله این آیات می‌توان به آیات مبارکه ۲۲ بقره، ۱۴ انعام، ۷۰ الاعراف، ۱۸ یونس، ۱۴ الرعد، ۷۳ الحج و ۱۱ لقمان اشاره نمود. تمامی علمای اسلام در علم کلام، بر این عقیده‌اند که ایمان با اقرار به زبان و تصدیق به قلب ایجاد می‌شود و عمل جزء ایمان نیست و تنها درجات ایمان را مشخص میکند، درحالی‌که تکفیری‌ها عمل را نیز مانند خوارج جزء ایمان می‌دانند و بسیاری از اعمالی که موجب کفر نمیشود را کفر می‌شمرند (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۸).

تکفیری‌ها مانند خوارج تفسیر به رأی را تنها در آیات قرآن بکار نمی‌برند. آنان روایات پیامبر(ص) را نیز به نفع خود توجیه می‌کنند. در کتاب «الاستسقاء باب» از ابن‌عمر نقل شده است که پیامبر(ص) فرمود: خدایا! "شام" ما را برای ما با برکت گردان. بارخدایا! "یمن" ما را برای ما با برکت گردان. بعضی از مردم نیز پرسیدند: یا رسول‌الله! "نجد" ما را چگونه؟ که پیامبر فرمود: در نجد لغزش‌ها و فتنه‌ها برپا می‌شود و از همان جا است که شاخ‌های شیطان سر بر می‌آورند (بخاری، ۱۳۹۱: ج ۱). در روایات اشاره شده است که منظور نجد، حجاز است می‌باشد که در سمت شرق حجاز واقع گردیده است، و ادعای وهابی‌ها که می‌گویند منظور از نجد، عراق است، صحت ندارد. شهرهایی که پیامبر درباره آنان دعای خیر فرموده را وهابی‌ها کافر دانسته و مکانی را که پیامبر فرموده تابعان شیطان از آنجا پدید آمده و فتنه و فساد از آنجا بر می‌خیزد، را شهر ایمان می‌دانند و معتقدند مردم باید به آنجا مهاجرت نمایند (امین، ۱۳۸۷: ۱۸۷-۱۸۸).

۵-۹) نشانه‌های ظاهری

وهابی‌ها از نظر ظاهر نیز با خوارج شباهت دارند. خوارج موهای خود را می‌تراشیدند، وهابی‌ها نیز چنین می‌کنند. روایات زیادی درباره گروهی که نشانه و علامت آنها سرهای تراشیده است، وجود دارد؛ مانند کلام پیامبر(ص) که فرمودند: مردانی از امت من که نشانه و علامت آنها سرهای تراشیده است، قرآن می‌خوانند، ولی از حلقوم آنان تجاوز نمی‌کند. از دین بیرون می‌روند مانند تیر و کمان. از امیرالمؤمنین(ع) نیز نقل شده است که در آخرزمان، گروهی پدید می‌آیند که قرآن می‌خوانند، ولی از گردن‌های آنان تجاوز نمی‌کند. از دین بیرون می‌روند مانند تیر از کمان و از نشانه‌های آنها سرهای تراشیده است (امین، ۱۳۸۷: ۱۹۲). در کتاب "خلاصه الکلام" نقل شده است که: این کلام پیامبر(ص) که فرمود علامت آنها سرهای تراشیده است صریح و آشکار است که مقصود همان وهابی‌های تابع محمد بن عبدالوهاب می‌باشد که از سمت مشرق بیرون آمدند. چه وهابی‌ها، هر که تابع آنها می‌شد، و ادا می‌کرد سرش را بتراشد و تا وقتی که سرش را نمی‌تراشید از او جدا نمی‌شدند. همچنین ذکر شده است که هیچ فرقه و گروهی که قبلاً پیدا شده بودند، سابقه چنین کاری نداشتند (همان).

۵-۱۰) همراهی با دشمن دین

خوارج مسلمانان را کشته و بت پرستان را دعوت به اسلام می‌کردند. به نقل از کتاب "سیره حلبیه" درباره حدیث معروف پیامبر(ص) درباره خوارج بیان شده است که اینان قرآن می‌خوانند، ولی از گلو و حنجره آنها تجاوز نمی‌کند. دل‌هایشان از فهم قرآن بی‌خبر و بهره‌ای از قرآن جز خواندن با دهان نمی‌برند. مسلمانان را کشته و بت پرستان را به اسلام دعوت میکنند(همان).

۵-۱۱) زنده بودن رویه تکفیری

در کلام امیرمؤمنان آمده است همانگونه که شاخه‌ای از خوارج بریده میشد شاخه‌ای دیگر پدید می‌آمد. وهابی‌های تکفیری نیز که رویه خوارج را دارند هر از چند گاهی خود را احیا می‌کنند و هرگاه که شاخه‌ای از آنان بریده می‌شود، شاخه‌ای دیگر سر بر می‌آورد. جنگ محمدعلی پاشا و از بین رفتن وهابی‌ها و همچنین ابراهیم پاشا، پسر وی که تا مرکز شهرهای آنان پیش رفت و پایتخت آنان "درعیه" را ویران کرد، سپس شاخه‌ای دیگر ظاهر شده و به دست استعمارگران رشد نمودند(همان: ۱۸۸). خبر امام علی(ع) در همان سال‌های پس از شهادت آن بزرگوار تحقق پیدا کرد و از پس صدها سال روش خوارج در رویه گروه‌های تکفیری تروریستی گره خورده است. در چند دهه گذشته سلفی‌ها رشد قارچ گونه‌ای داشته‌اند، بطوری که موج سلفی‌گری از سال ۲۰۰۶ با آغاز فعالیت جبهه-النصره و داعش کلید خورد و به سرعت گستره وسیعی از کشورهای خاورمیانه را درهم نوردید. رفتارهای افراطی و لجام گسیخته این گروه، چهره‌ای خشن و انسان‌گریز از دین مبین اسلام به جهانیان ارائه داد.

جمع‌بندی

خوارج اولین گروهی بودند که مسلمانان را تکفیر نمودند. احمدبن حنبل با ایجاد و ترویج تفکر قشری‌گرایی و ظاهرگرایی و برداشت‌های ظاهری و بدون تعقل از آیات قرآن و روایات، زمینه را برای شرک دانستن اعمال مسلمانان و در نتیجه تکفیر آنان فراهم نمود. ابن‌تیمیه نظریه تکفیر را صراحتاً مطرح کرده و با توسعه عنوان شرک، بسیاری از مسلمانان از جمله شیعیان را مشرک تلقی نمود. در ادامه خوارج در طول تاریخ به گروه‌های مختلفی تقسیم شدند، در این میان خوارج محکمه(حروریه) گروهی بودند که علیرغم ظاهری متعبد و ادعای تمسک به آیات قرآن، مخالفت خود با امام علی را آغاز نمودند. مبانی فکری و عملکرد خوارج منتهی به فجایعی شد که چهره بسیار نامناسبی از اسلام را به نمایش گذاشت و باعث دور ساختن بسیاری از افراد از اسلام گردیدند. تحولات میدانی چند دهه اخیر نشان می‌دهد که تفکر داعشی، وهابیت، طالبان، سلفی‌گری افراطی و ... که مدعی ارائه اسلام راستین هستند، ابزاری در دست مخالفین اسلام قرار گرفت و سیاست‌های دول غربی و حمایت‌های برخی دولت‌های عربی از آنان، فجایع انسانی فراوانی به بار آورد که موجب اسلام‌هراسی و اسلام‌گریزی در سطح جهان شد. به همین دلیل این مقاله به بررسی شباهت‌های گروه خوارج و گروه‌های تکفیری در ۱۱ بند، پرداخته و نتایج آن می‌تواند در شناساندن ریشه‌ها و پیامدهای تفکرات افراطی بسیار کارآمد باشد و نه تنها مانع از گسترش اسلام‌هراسی در جامعه جهانی گردد، بلکه مردم منطقه خاورمیانه و سایر اسلام‌خواهان را از سقوط در ورطه چنین تفکراتی مصون سازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که گروه‌های تکفیری پدیده نوظهوری نبوده و در واقع

امتداد فکری و زمینه‌ای خوارج هستند. جهان اسلام از نخستین دهه‌های پیدایش به سه جریان کلی اهل سنت، شیعه و خوارج تقسیم شد و این تقسیم‌بندی کلان هنوز صادق است. گروه‌های تکفیری هم به لحاظ اصول فکری و هم به لحاظ زمینه‌ها و بسترهای پیدایش به خوارج شباهت دارند. افول سنت قبیله‌ای، واکنش به تعدد و تکرر قرائت‌ها از اسلام و مقاومت در برابر مدنیت نوظهور اسلامی مهمترین بسترهای پیدایش خوارج هستند.

منابع و مأخذ

- [۱] ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۶۷-۱۳۷۹). جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، مجلدهای ۱-۲-۳. تهران: نشر نی.
- [۲] ابن‌اثیر جزری (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، ناشر: دارالصادر، چاپ بیروت.
- [۳] ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۱۶). مجموع الفتاوی، مدینه مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- [۴] ابن‌حزم اندلسی. (۱۳۱۷-۱۳۲۰ق) الفصل فی الملل والاهواء والنحل، مکتبه الخانجی، القاهرة.
- [۵] ابن‌قتیبه (۱۳۸۷)، الإمامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، مترجم: علی شیری، دارالأضواء، بیروت.
- [۶] ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۳۵۷). البدایة و النهایة (دارالفکر)، بیروت، لبنان.
- [۷] احمد بن حنبل، (۱۴۱۶)، مسند الامام احمد بن حنبل، دار الحدیث، القاهرة.
- [۸] امین. محسن. (۱۳۸۷). ترجمه کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب (تاریخ و نقد وهابیت)، مترجم: علی اکبر فائزی پور تهرانی، قم: مطبوعات دینی.
- [۹] بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۱). الجامع الصحیح البخاری، مترجم: عبدالعلی نوراحراری، نشر: شیخ الاسلام احمد جام، تربت جام، مجلد ۱، چاپ چهارم.
- [۱۰] بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر (۱۳۶۷). الفرق بین الفرق در تاریخ مذاهب اسلام به اهتمام دکتر محمد جواد مشکور. چاپ مروی.
- [۱۱] بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [۱۲] پاکتچی، احمد. (۱۳۷۸). پژوهشی در کتابشناسی جنگ‌های رده، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۶.
- [۱۳] جعفریان، رسول. (۱۳۹۱). نظریه دارالحرب- دارالاسلام و تعریف کفر در فقه حنفی و تأثیر و تأثر آن از رویدادهای خراسان در قرن دهم هجری، پیام بهارستان، شماره پانزدهم، بهار.
- [۱۴] جعفریان، رسول. (۱۳۹۳). منابع تاریخ اسلام، ناشر: علم.

- [۱۵] خسروی، ا. (۱۳۹۸). واکاوی حضور خوارج از رقه در کرمان و پیامدهای سیاسی-امنیتی آن. مطالعات تاریخ انتظامی، ۶(۲۱)، ۱-۱۸.
- [۱۶] دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود. (بی تا). (۱۳۴۶)، اخبار الطوال، ترجمه: صادق نشات، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- [۱۷] رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۸). شناخت سلفی‌ها (وهابیان)، نشر: قم، مسجد جمکران، چاپ پنجم.
- [۱۸] زرگر، محمدمین و صیدمرادی، رشید، (۱۳۹۵)، تاثیر رویکرد منفی خوارج و گروه‌های تکفیری به تسامح و مدارا در اضمحلال آنها، همایش ملی تسامح و مدارا در فرهنگ ایران و اسلام، اصفهان
- [۱۹] سعادت، قادر، (۱۳۹۳) تکفیر و اقسام آن در نگاه شیعه، پژوهشنامه نقد وهابیت، سراج منیر، ش ۱۲، صص. ۷۵-۵
- [۲۰] شهرستانی، محمدبن احمد. (۱۴۱۴ق) الملل والنحل، تحقیق سید محمد گیلانی، بیروت، دارالمعرفه.
- [۲۱] طبری، محمدبن جریر. (۱۳۷۵). ترجمه تاریخ طبری، مترجم: ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، مجله‌های ۴-۶-۷ تهران.
- [۲۲] عبدالملکی، صادق، (۱۴۰۰)، راهکارهای مقابله با تهدیدات نوین جریانات تکفیری (مطالعه موردی دیوبندیه جنوب شرق)، همایش تخصصی رصد تهدیدات نوین نظامی در گام دوم انقلاب اسلامی، قم
- [۲۳] فیروزآبادی، ح. (۱۳۹۳). تکفیری‌های داعش را بشناسیم، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (داعا)، چاپ دوم، تهران.
- [۲۴] مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (بی تا-۱۳). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبارالائمه الاطهار، مجلد ۳۷ نشر: بیروت داراحیاء التراث العربی.
- [۲۵] مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۶۵). مروج الذهب و معادن الجواهر، مترجم: ابوالقاسم پاینده، نشر: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- [۲۶] مفتخری، حسین، عودی، ستار، زارع، محمد، ناجی، محمدرضا، صفری، وحید. (۱۳۹۲). خوارج، ناشر: کتاب مرجع (وابسته به موسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع).
- [۲۷] مقریزی، احمدبن علی. (۱۴۲۰ق). امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۲۸] نساج، ح. عبدی پور، ن. جمشیدی مهر، پ. (۱۳۹۶). علل ظهور و تکوین گروه‌های تکفیری در جهان اسلام، از تقابل زندگی قبیله‌ای با مدنیت تا تقابل سنت با مدرنیته، مطالعه موردی، خوارج و داعش، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۶، شماره ۳۳ (پیاپی ۵۳).

[۲۹] نصرین مزاحم منقری. (۱۳۶۳). واقعه صفین در تاریخ، بنیاد محقق طباطبایی، ترجمه کریم زمانی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

[۳۰] ولهاوزن، یولیوس. (۱۳۷۵). تاریخ سیاسی صدراسلام (شیعه و خوارج)، ترجمه محمدرضا افتخارزاده، قم، دفتر نشر معارف اسلامی.

[31] Kadivar, J. (2020). Exploring Takfir, its origins and contemporary use: The case of Takfiri approach in Daesh's media. *Contemporary Review of the Middle East*, 7(3), 259-285.

[32] Zarei, M., & Goodini, M. J. (2018). A Comparative Study of Classic Khawarij and Contemporary Takfiri Groups with Special Emphasis on Daesh. *The Journal of Research in Humanities*, 24(2), 141-159.